Arshive of SID

سبک‌شناسی و شگردهای طنز در رمان هستی از فرهاد حسن‌زاده

سمیه آورند*

چکیده

طنز یکی از ابزارهای مهم ادبی به شمار می‌آید که شاعران و نویسندگان همواره برای بیان مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی از آن بهره می‌جویند. در پژوهش حاضر ابتدا تعاریف دقیقی از طنز ارائه شده و سبک شناسی طنز و شیوه‌های زبانی آن در رمان هستی از فرهاد حسن زاده مورد بررسی قرار گرفته است.

این پژوهش به روش توصیفی و تحلیل محتوا انجام‌گرفته و پژوهشگر با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که فرهاد حسن زاده با بهره‌گیری از مخاطب‌شناسی و سبک طنز و شیوه‌های زبانی مختلف آن، به خلق اثری پرداخته تا در این قالب ایدئولوژی خود را به مخاطب منتقل کند.

کلیدواژه: سبک‌شناسی طنز، ادبیات انتقادی، ادبیات کودک و نوجوان، هستی، فرهاد حسن‌زاده.

مقدمه

منتقدان ادبی تعاریف زیادی از طنز ارایه داده‌اند از جمله آن را در معنی ریشخند و مسخره و به کسی خندیدن می‌دانند. در اصطلاح ادبی «سخنی است اعتراض‌آمیز و لطیف و نیشخندانگیز که قصدش انتقاد و اصلاح جامعه است.» (فرشید ورد، ۱۳۶۲: ۶۷۹)

* مدرس گروه زبان و ادبیات فارسی، پردیس شهید باهنر، دانشگاه فرهنگیان،شیراز و مربی کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان فارس.شیراز، ایران. Somaeh_Avarand@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۱۵

www.SID.ir

Arshive of SID

طنز یکی از ابزارهای ادبی پرطرفدار است که اگر آزادی بیابد به نهایت ظرافت به‌کاررفته می‌شود و به قول پلارد: «بهترین آن‌ها، طنزی است که مطمئن‌ترین لحن را دارد و حاوی مطمئن‌ترین ارزش‌هاست.» (پلارد، ۱۳۸۱: ۹)

در سبک‌شناسی لایه‌ای که یکی از شیوه‌های نوین سبک شناسی است، طنز و بهرمندی از شیوه‌های زبانی مختلف آن، یکی از شگردهایی است که نویسنده برای بیان ایدئولوژی خود از آن استفاده می‌کند. در شناخت ماهیت طنز و شوخی‌های زبانی توصیف ها و تعاریف بسیار آورده اند که ممیزه‌های اصلی آن تعریف و توصیف ناظر بر شکل بیان، درون مایه، قصد گوینده ونقش سخن است. ممیزه‌های اصلی عبارتند از:

- «شکل بیان: گروهی به شکل سخن نظر دارند و ماهیت طنز و شوخی‌های زبانی را بر پایه‌ی شگردهای صوری تعریف می‌کنند، شگردهایی مانند « اجتماع نقیضین و ضدین»، «در آمیختن دو امر ناساز»، » اظهار معنایی خلاف ظاهر لفظ»،« بزرگ‌نمایی و کوچک نمایی»و.... بدیهی است که تناقض هنری، وارونه گویی، بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی، اغراق و کنایه مختص طنز نیست بلکه این ممیزه ها در انواع سخن جدی به ویژه شعر کاربرد دارد.
- درون مایه: گاه طنزرا بر اساس نوع درون مایه‌ی آن تعریف می‌کنند و معمولاً جوهره‌ی طنز را بیان زشتی ها، مفاسد اجتماعی، عیوب افراد، نمایش رسم ها و عادات نادرست و ناروا می‌شمارند. طبق این تعریف، طنزپرداز از منظری آرمانی با به سخره گرفتن پستی، بلاهت ونقص فرد یا اجتماع، قصد هشدار و اصلاح جامعه دارد.
- نقش سخن: بسیاری از تعریف‌های، برنقش کلام تأکید دارند. این تعریف‌ها کارکرد اصلی طنز را اصلاح گری و انتقاد می‌دانند. طنزپرداز به مقصد انتقاد و اصلاح فرد و اجتماع، به تمسخر، استهزاء، تحقیر، خنداندن، طعنه، افشاگری و مانند آن می‌پردازد.بر این اساس این تعریف‌ها، کارکرد طنز عبارتند از اصلاح گری، شادی بخشی و سرگرم کنندگی». (فتوحی،۱۳۹۰)

در این پژوهش سعی برآنست تا به سوالات زیر پاسخ داده شود: در یک رمان چه مولفه‌های سبکی باعث انتقال ایدئولوژی نویسنده می‌شود؟ ایدئولوژی فرهاد حسن زاده در این رمان چیست؟ فرهاد حسن زاده برای بیان ایدئولوژی خود از چه شیوه‌های زبانی استفاده کرده است؟

www.SID.ir

Arshive of SID

پیشینه‌ی تحقیق

در مورد سبک‌شناسی طنز رمان نوجوان احتمالاً تاکنون تحقیق مستقلی منتشر نشده است و اغلب آثاری هم که با موضوع سبک‌شناسی طنز و انتقادی نوشته شده در حوزه ادبیات بزرگسال است. ازجمله پژوهش‌های مرتبط با تحقیق حاضر، کتاب سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها (۱۳۹۰) اثر محمود فتوحی رودمعجنی است. این اثر سبک‌شناسی لایه‌ای را گام‌به‌گام تحلیل کرده و توضیح داده و اساس کار برای انجام این تحقیق نیز، همین کتاب است. همچنین کتاب شگردهای طنز در ادبیات کودک ونوجوان امروز (۱۳۹۴) از سمیه آورند نیز برای بررسی شیوه‌های ایجاد طنز در رمان هستی استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل رمان هستی

بافت بیرونی و موقعیتی متن

رمان نوجوان «هستی» در چهار فصل و ۲۶۲ صفحه در قطع وزیری در انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسیده است.

روایت داستان از زبان نوجوانی است که خود در شرایط آغازین جنگ و جنگ زدگیست و شاهد رویدادهایی که اصالت خاصی به روایتش می‌بخشد.

هستی، داستان دختر نوجوانی است که نمی‌خواهد مثل دخترهای هم سن و سالش باشد و کارهای دخترانه کند. او دوست دارد کارهای پسرانه انجام دهد. آرزو دارد وقتی بزرگ شد راننده تریلی، خلبان و یا دروازه‌بان تیم صنعت نفت آبادان شود. آرزویی که کمتر دختری در سن و سال او دارند. اما با شروع جنگ و اتفاقاتی که سر راه هستی و خانواده‌اش قرار می‌گیرد، نگاه هستی به آدم‌ها و محیط اطرافش عوض می‌شود. او به کمک قرارگیری‌اش در یک موقعیت ناخواسته تغییر می‌کند و بزرگ می‌شود و می‌فهمد که برای قوی بودن فرقی نمی‌کند که زن باشد یا مرد.

فرهاد حسن‌زاده متولد ۱۳۴۱/۱/۲۰ آبادان است. تمام حوزهٔ نوشتن را تجربه کرده است. اوتا به حال بیش از ۸۰ عنوان کتاب در قالب‌های داستان کوتاه، رمان، نمایش‌نامه، داستان زندگی و... برای مخاطبان کودک و نوجوان و بزرگ سال نوشته است .

www.SID.ir

Arshive of SID

رمان هستی نیز یکی از آثار موفق اوست که در سال ۸۹ در تیراژ عالی۱۵هزار جلد، چاپ و به فروش رسید.

«حسن زاده از معدود نویسندگان کودک ونوجوان بوده که مهاجرت ناشی از جنگ را تجربه کرده است. برای او کەزادۀ آبادان است محاصرۀ این شهر پدیده‌ای است که نویسنده را به اجبار از نخستین بستر اجتماعی خود جدا می‌کند. جایی که خاطرات دوران کودکی و نوجوانی خود را وامدار آن بوده است.» (مندنی پور،۱۳۸۴: ۳۰) رمان هستی نیز همین روند را طی می‌کند. ابتدا حال و هوای آغاز جنگ را به تصویر می‌کشد سپس وارد جنگ می‌شود و از روزهای مهاجرت می‌گوید.

سبک طنز و شیوه‌های زبانی

این دسته از سازوکارها مبتنی بر کاربرد زبان است و بر مبنای نقش دو یا چند معنایی بودن زبان استوار است. به این معنی که گاه برخی از ویژگی‌های زبانی و نوع به‌کارگیریشان در یک زبان طنز تلقی می‌شود اما در زبان دیگر جنبه‌ی طنز ندارد؛ به همین جهت آنچه مثلا یک آلمانی را می-خنداند ممکن است یک ایرانی را به گریه وادارد.

« دلا باستیتا » معتقد است زبان‌ها به لحاظ ساختار با یکدیگر متفاوت هستند و از این‌رو زبان‌های گوناگون، بازی‌های زبانی گوناگون دارند. این بازی‌های زبانی در تمام نقاط دنیا اتفاق می‌افتد اما ممکن است گونه‌ای خاص از بازی‌های کلامی به زبان دیگر ترجمه نشود. (حری، ۷۹ الف:۱۳۸۷) در رمان هستی این سازوکار، بسامد بالا و تنوع خوبی دارد که به دو دسته بازی‌های کلامی و مؤلفه‌های دو معنایی تقسیم می‌شود:

بازی‌های کلامی

بازی با کلمات یکی از شیوه‌های ایجاد طنز است و شاید بتوان تعریف دیگر شوخ طبعی دانست. «هرگونه روش تصور شدنی کاربرد زبان به مقصد خنداندن و سرگرمی بازی با کلمات نام دارد.» (حری، ۱۳۸۷ب:۷۷) بازی‌های کلامی در رمان هستی عبارتند از: تلفظ غلط کلمات، بازی با کلمات مترادف و...

www.SID.ir

Arshive of SID

تلفظ غلط کلمه

غلط تلفظ کردن کلمات موجب ایجاد طنز زبانی می‌شود. در این داستان تلفظ غلط کلمات به وفور دیده می‌شود تا جایی که به عنوان زبان رمزی اعضای خانواده تلقی می‌شود.

با لب‌های قشنگش خندید و هپروتی گفت:« ای سِدَر پوخته!» (حسن‌زاده، ۴۴:۱۳۸۹)

این استعمال اشتباه کلمات در شخصیت پدر عمدی است و همین امر موجب طنز بیشتر در کلام شده است.

«نَعلَت بر شیطون! هستی! تو نمیتونی یکم خفه شی! نمی‌بینی خوابم؟» (هان:۳۵)

گاهی این استعمال غلط در به کارگیری ضرب المثل‌ها نیز دیده می‌شود:

«به قول معروف تا گوساله آب بشه...» (همان:۲۶)

توی جیبش دنبال سیگار می‌گشت، گفت: « چرت و پلا نگو!» (همان:۲۱)

بازی با کلمات مترادف

بازی با کلمات مترادف نیز یکی دیگر از بازی‌های کلامی است که باعث ایجاد طنز می‌شود. در این رمان کلمات شلال کردن، بلال کردن، تلیت کردن همه با یک معنا به کار برده شده است؛ اما به نظر می‌رسد که هر کدام برای نویسنده دارای درجه است مثلا تلیت کردن از بلال کردن بدتر و شلال کردن از هر دوی آن‌ها.

مؤلفه‌های دومعنایی

ناهماهنگی کلامی میان دو موقعیت را دومعنایی می‌گویند و یکی از مؤلفه‌های مهم ایجاد شوخ‌طبعی است که به کمک کاربرد زبان ایجاد طنز می‌کند. از جمله‌ی این مؤلفه‌ها عبارتند از: ابهام، جناس، کنایه و طعنه.

www.SID.ir

Arshive of SID

ابهام

ابهام «در لغت به معنای مجهول گذاشتن است و در اصطلاح بدیع گفتن سخنی که محتمل دو معنی بود. آن را محتمل ضدالدین و ذو وجهین نیز نامیده‌اند.» (کرد چگینی، ۲۹:۱۳۸۸)

«به کاربردن واژه‌های ابهام‌دار دو معنایی یک نوع شوخ زبانی است که موجب اجتماع دومعنای ناهماهنگ می‌شود و از این جهت باعث لبخند وشادمانی است» (آورند،۱۳۹۴: ۲۲)

ابهام در رمان هستی را می‌توان به دو دسته ابهام ساختاری که شامل آوایی، واجی، واژگانی، نحوی و ابهام‌اندیشگانی که شامل معنایی، کاربردی، متنی یا گفتمانی تقسیم کرد. (حری، ۱۳۸۷، الف:۲۴)

ابهام ساختاری

در رمان هستی ابهام ساختاری در سطح آوایی، واژگانی و نحوی دیده می‌شود که نویسنده به خاطر مخاطب رمان خود به سرعت از ابهام پیش آمده گره باز می‌کند و همین گشایش باعث ایجاد طنز می‌شود.

گفتم: «پَه چی؟ آخر فرانسه هم تیمه؟ فرانسه فقط آچاره.» (حسن‌زاده، ۳۲:۱۳۸۹)

در مثال فوق ابهام در کلمه فرانسه است که ذهن مخاطب را ابتدا به تیم‌های ورزشی جلب می‌کند اما بلافاصله با بیان کاربرد دوم آن از ابهام پرده برمی‌دارد و طنز را به وجود می‌آورد.

بابا گفت: «چی شده قربان صدقه‌ی هم می‌رین؟

بی‌بی که درست نشنیده بود گفت: دو صدقه دفع می‌کنه.» (حسن‌زاده، ۹۴:۱۳۸۹) در این نمونه نیز ابهام در واژه صدقه است که نویسنده با ظرافت تمام آن را به کار می‌برد.

ابهام اندیشگانی

«ابهام اندیشگانی در سطح جمله قواعد ترکیبی در سطح جملات، شیوه‌های معنا آفرینی جملات، ایجاد معنا در زمینه و در نهایت سطح متن را در بر می‌گیرد.» (حری، ۱۳۸۷ب:۵۶) در رمان هستی ابهام بیشتر در سطح اندیشگانی است و آن هم در سطح تجاهل العارف و اسلوب حکیم بسامد بیشتری تا دلیل عکس دارد.

www.SID.ir

Arshive of SID

دلیل عکس

«راسخ‌ترین شیوه خنده انگیزی و طنز کردن سخن، معکوس بیان کردن معانی و وارونه تعریف نمودن مفاهیم است، به قول منطقیون استفاده از نوعی برهان خلف یعنی مطلوب را با ابطال نقیض آن ثابت کردن.» (بهزادی اندوهجردی، ۱۲۲:۱۳۸۷-۱۲۳)

با گریه گفتم: «دوباره می‌خوان دستمه گچ بگیرن؟ ها!؟»

بابا سیگاری درآورد. یا شاید هم از قبل توی دستش بود. گفت: «احتمالا هیکلته می‌خوان گچ بگیرن که ایی قدر وول نخوری» (حسن‌زاده، ۱۷۱:۱۳۸۹)

در این قسمت پدر هستی با وجودی که از تمام ماجرا مطلع است اما اظهار نادانی می‌کند و دلیلی می‌آورد که خلاف واقع است.

تجاهل العارف

در لغت خود را به نادانی‌زدن است. در اصطلاح بدیع چیزی آشکار و شناخته چنان سخن گفتن و پرسیدن که گویی آن را ندانسته و نشناخته‌اند. (داد، ۹۴:۱۳۸۷)

«بالاخره خرخرک رفتش؟» خاله را می‌گفت. «می‌بینم جامون یه کم واز شده، پس مال اینه» (حسن‌زاده، ۱۷۷:۱۳۸۹)

اسلوب الحکیم

اسلوب الحکیم یعنی « خود را به کوچه علی چپ زدن و کلام متکلم را بر خلاف مراد وی به سود خود شنیدن است.» (بهزادی اندوهجردی، ۱۶۷:۱۳۸۷)

دایی نشاندش کنارم و پرسید: «چی شدابی؟ فوتبال بازی کردی؟» و به من چشمک زد.

بابا با درد جواب داد: «نه بابا. افتادم تو جوب.»

«جوب؟ داشتی از جوب می‌پریدی؟»

«مکافات! وقتی هواپیما حمله کردن، اومدم رو زمین دراز بکشم که نفهمیدم چطور شد با تمام هیکلم افتادم لبه‌ی جوب و کله پا شدم توش.»

www.SID.ir

Arshive of SID

«ای ولله! فکر کردم اومدی قیچی برگردون بزنی که کله‌پا شدی.»
بابا عصبانی شد: «تو هم شوخیت گرفته جمشید؟ دیوونه بازی هم حدی داره.» نگاهش به من افتاد و ساکت شد. (حسن‌زاده، ۵۱:۱۳۸۹)

ایهام

در لغت به گمان افکندن، به شک انداختن و در اصطلاح از جمله صناعات لفظی است و آن است که گوینده در کاربرد یک کلمه، دو معنای نزدیک و دور را مراد کند. (داد، ۶۷:۱۳۸۷)
در این رمان ایهام اصلی در نام رمان یعنی «هستی» است. هستی، عنوان قشنگی است که ضمن ماندگاری در ذهن مخاطب، بر کل کتاب و محتوای آن اثر نیز احاطه دارد. هستی نه تنها نامی دخترانه است بلکه به معنی جهان و هستی و آفرینش نیز معنا می‌شود که هر دو معنی در این رمان مدنظر است.

کنایه

کنایه: پوشیده سخن گفتن چنان‌که معنی آن صریح نباشد، پوشیده سخن‌گویی. در واقع کنایه عبارت است از آن لفظی را استعمال و به جای معنی اصلی یکی از لوازم آن معنی را اراده کنند. (حری، ۱۳۸۷ب : ۲۵) طنز یکی از ابزارهای مهم طنزپردازی است چرا که نویسنده برای بیان مقصود خود ناگزیر است که گاهی غیر مستقیم سخن بگوید. در رمان هستی کاربرد کنایه نه تنها در خطاب شخصیت‌ها با یکدیگر بلکه در ضرب‌المثل‌ها نیز دیده می‌شود.
«بالاخره فرفرک رفتنش؟! خاله را می‌گفت» (حسن‌زاده، ۱۷۷:۱۳۸۹) یا وقتی که پدر هستی برای صداکردن او از واژه ادبار استفاده می‌کند.
بابا لابه‌لای سرفه گفت: «چه مکافاتی داریم با این بچه‌ها!» و سرش را مثل راننده تاکسی تکان تکان داد: «تا گوساله آب شبه... دل صاحبش چی می‌شه؟ اشتباه گفتم؟ گفتم تا گوساله گاو شبه دل صاحبش آب مشیه. بی‌مزه! (همان: ۲۲)

www.SID.ir

Arshive of SID

طعنه

اسکار وایلد درباره طعنه می‌گوید: «طعنه دانی‌ترین حالت مزاح است.» میان طعنه، کنایه و ایهام تفاوت ظریفی وجود دارد. اگر مخاطب بلافاصله از معنای مجازی پی به معنای حقیقی ببرد و منظور گوینده را فورا دریافت کند، طعنه است.» (حری، ۱۳۸۷ب:۶۸)

بابا با گرانی‌کج گفت: «نبود. دنیای زیر و رو کردُم. حتی یکی هم نبود.»

بی‌بی گفت: «ای آقا! یعنی تخمشه ملخ خورده؟» (حسن‌زاده، ۱۳۸۹:۶۰) در این قسمت بی‌بی با طعنه به پدر هستی می‌فهماند که تلاشش کافی نبوده و خوب جست‌وجو نکرده است.

جناس

یکی از صنایع بدیعی است و آن همانندی دو کلمه است به این صورت که در لفظ یکسان باشد و در معنی مختلف. (اخوت، ۱۳۷۱:۱۲۵-۱۲۶)

لحظه‌ای برگشتم و از همان لای در برای دکتر ریش بزیان دست تکان دادم و تو دلم گفتم: «خداحافظ آقای ریش فعال.» از راهروی دراز و باریک و خاکستری که رد می‌شدیم، گفتم: «چی می‌گفت این آقای ریش فعال؟»

با خنده گفت: «مؤدب باش! داشت درباره‌ی بچه‌های بیش فعال حرف می‌زد.»

گفتم: «خودم فهمیدم. ولی مو حالا جیش فعالُم»

فرهاد حسن‌زاده با ساختن واژه ریش فعال و جیش فعال آن را با بیش‌فعال جناس قرارداده و سعی کرده علاوه بر اعتراض هستی به پزشک و تصورش درباره بیش فعالی او، نوعی طنز به وجودآورد.

الف) سازوکارهای مبتنی بر محتوای زبان

دسته‌ی دوم سازوکارهایی که در این رمان کاربرد و بسامد قابل توجهی دارد، سازوکارهایی مبتنی بر محتوای زبان است؛ که بیشتر بر خلق موقعیت‌ها و عمل داستانی استوار است، که خود بر سطوح متفاوتی تقسیم می‌شود:

ب) سازوکارهای موقعیت محور

www.SID.ir

Arshive of SID

عنصر اساسی و مشترک در این گروه از سازوکارها وجود موقعیت‌هایی است که هر کدام به نحوی در آفرینش طنز مؤثر واقع می‌شود.

غافلگیری

غافلگیری ممکن است از اصل ناسازگاری نشأت بگیرد و یکی از سازوکارهایی است که بیشترین طرفدار را بین طنزپردازان دارد. دو معنی اصلی ناسازگاری در تئوری‌های مرسوم ناسازگاری این است که پدیده یا رخدادی که ما فهم می‌کنیم یا به آن می‌اندیشیم الگوی ذهنی معمول و انتظارات طبیعی ما را برهم می‌زند... بدین‌گونه که ما با همان چیز دوباره به خنده می‌افتیم.» (موریل، ۴۵:۱۳۹۲)

نمی‌دانم این حالم چقدر طول کشید که یک مرتبه صدایی از پشت سرم گفت: «دست‌ها بالا بی حرکت.»

قلبم ریخت توی دهانم. شنیده بودم که آبادان از سه طرف محاصره است. خواستم برگردم که صدا خشن‌تر از قبل گفت: «گفتم از جات تکون نخور، وگرنه سوراخ سوراخت می‌کنم.»...

خاله نسرین بود. «یُ هستی ناقلای خودمونه» خاله بغلم کرد.

در این قسمت از رمان، هستی در موقعیتی قرار می‌گیرد که همه چیز را تمام شده می‌داند اما در نهایت متوجه می‌شود کسی که او را اسیر کرده خاله‌اش است.

تکرار

تکرار در فرآیند مطلوب کمدی کلاسیک است و آن آرایش رخدادها به گونه‌ای است که صحنه‌ای معین، با شخصیت‌هایی مشخص در اوضاع و احوالی جدید، یا همان صحنه با شخصیت‌های دیگر در همان اوضاع و احوال، تکرار شود.» (برگسون، ۸۷:۱۳۷۹)

اما خاله که شستش از چیزی خبردار شده بود، دوباره می‌رود توی بخش تا از کار این مجروح مشکوک سر در بیاورد. کاشف به عمل می‌آید که طرف کرولال است و لام تا کام حرف نمی‌زند. کاشف به عمل می‌آید که طرف ترکش توی پا و دست چپش خورده. کاشف به عمل می‌آید قرار است ببرندش شیراز و آن‌جا ترکش‌ها را بیرون بیاورند.

www.SID.ir

Arshive of SID

باز هم کاشف به عمل می‌آورد که توی جیبش کارت شناسایی که همان گواهینامه رانندگی باشد، پیدا کرده‌اند و از روی این کارت فهمیده‌اند که او جمشید خورشیدی است، وگرنه او که لام تا کام حرف نمی‌زده و... (حسن‌زاده، ۱۷۴:۱۳۸۹)

نویسنده با استفاده از عبارت کاشف به عمل آمده اتفاقاتی را از زبان خاله‌ی هستی بیان می‌کند که خاله‌ی هستی در کشف آن دخیل بوده است.

تداخل رخ‌دادها

فتوحی از آن به عنوان «در آمیختن دو امر ناساز» نام می‌برد. (فتوحی، ۳۷۸:۱۳۹۱) به گفته‌ی برگسون «هر وضعیتی که در آن به دو رشته رخداد کاملا مشتقل از هم باشد و بتوان دو معنای گوناگون از هم برداشت کرد، همیشه کمیک است.» (برگسون، ۷۳:۱۳۷۹)

اگه خاله نسرین بود، درباره گاو میش کمی شعر و ضرب‌المثل و حرف‌های بامزه می‌ساختیم اول از همه اسمش بود که اگر حرف‌های اولش را جابه‌جا می‌کردیم، می‌شد ما و گیش. بعد درباره ضرب‌المثل بابا بحث می‌کردیم. تا گوساله شبه نه تا گوساله گاو میش شبه. دل صاحبش ریش می‌شد...

تو این فکرها بودم که صدایی از گاو میش بلند شد و پشت بندش: شلپ پ پ پ !

تپاله‌ای به این بزرگی ندیده بودم. تپاله‌ای زرد و تازه صاف افتاد روی کفش بابا و تکه‌هایش پاشیده شد روی شلوار سیاهش. بابا گفت: «نعلت برپدر و مادرت!» گاو میش ماع کشید و خیلی جدی از گوشه‌ی چشم نگاهش کرد. بابا گفت: «زهر مار! مگه مو سنگ توالتُم که خودته ول دادی رو مو، گوساله!» (حسن‌زاده، ۱۰۶:۱۳۸۹)

در این مثال دو رشته رویداد مستقل در برخورد با یکدیگر به دلیل همسانی و ارتباط معنایی تصویر طنزی را به وجود می‌آورد.

www.SID.ir

Arshive of SID

جابه‌جایی نقش‌ها

در تعریف این فرآیند برگسون می‌نویسد: «چند شخصیت را در وضع خاصی به نظر آورید. اگر کاری کنید که این وضع دگرگون و نقش شخصیت‌ها عوض شود، صحنه کمیکی خواهید داشت به این سبب صحنه‌ای که در آن متهم به قاضی درس اخلاق می‌دهد، یا کودکی که می‌خواهد چیزی بر پدر و مادرش بیاموزد و به طور کلی هر آنچه مشمول عنوان دنیای وارونه باشد، ما را به خنده می‌اندازد.» (برگسون، ۷۲:۱۳۷۹)

در این رمان شخصیت اصلی داستان یعنی هستی که یک دختر است جنسیت خود را قبول ندارد و مدام کارهای پسرانه می‌کند و همین امر باعث ایجاد تصویری خنده‌دار برای مخاطب می‌شود.

بابا پیچید وسط حرفش و اشاره کرد به من: «چی می‌گی مرد حسابی! ئی که بغل دستم نشسته دختره.»

«بووووووووی! راس می‌گی!؟»

«دروغُم چیه؟»

«چشم‌های راننده قلمبه شد و خیره شد به من. نمی‌دانم چه‌قدر تعجب داشت که نزدیک بود بکوبد به ماشین جلویی.» (حسن‌زاده، ۱۶:۱۳۸۹)

بزرگ‌سازی

در تعریف بزرگ‌سازی آمده است: «بزرگ جلوه دادن موقعیت زندگی است تا بدان حد که باعث خنده شود معایب آن درشت جلوه کند.» (حری، ۱۳۸۷ الف : ۷۱)

حسن‌زاده برای توصیف وضعیت موجود از بزرگ‌سازی و تشبیه زیاد استفاده کرده است.

«تاکسی عینهو قابلمه داغ بود و آدم حس می‌کرد الان است که مثل مرغ پخته شود.» (حسن‌زاده، ۱۲:۱۳۸۹)

ج) سازوکارهای شخصیت محور

در این سازوکار عامل کمیک موجود شخصیت است. که خود به سطوح مختلفی تقسیم می‌شود:

www.SID.ir

Arshive of SID

کوچک‌سازی

یکی از عمده‌ترین شیوه‌های طنز نویسی، کوچک کردن است.

در این رمان که هستی شخصیت اصلی داستان است، برای این‌که رابطه‌ی خوبی با پدرش ندارد از این ترفند برای توصیف پدر بهره می‌برد. نویسنده نیز برای انتقال حس نوجوانانه شخصیت اصلی و پررنگ کردن یکی از ویژگی‌های نوجوان، که همان والدین ستیزی است، از این روش بهره برده است که خود تصویری طنزگونه را ایجاد می‌کند. اگرچه در نهایت پدر و دختر با هم دوست می‌شوند.

«صورتش جلوی نور مهتابی را پوشاند. بوی سیگار نفسم را پر کرد. کله‌اش اندازه یک دیگ بزرگ نذری‌پزی بود.» (حسن‌زاده، ۱۳۸۹:۱۷۰)

تشبیه

«یکی از شیوه‌های به وجود آوردن طنز، بهرمندی از تشبیه به ویژه تشبیه به حیوانات است.» (آورند، ۱۳۹۳: ۳۶) رمان هستی مالامال از تشبیه است و به نظر می‌رسد که پایه و اساس کار نویسنده در ایجاد طنز، همین به کار گیری تشبیه باشد.

«لبش از تعجب و خنده عینهو شکلات گرما دیده کش‌آمد.» (حسن‌زاده، ۱۳۸۹:۱۶)

«گردنش عینهو تنه‌ی درخت بیمار بود.» (همان:۱۳)

«بابا مثل تخمه‌ی بوداده از جا پرید.» (همان:۵۹)

«از پنجره تاکسی باد داغ می‌آمد و صورتم را نیش می‌زد.» (همان:۵۱) در این تشبیه باد داغ را به حشره‌ای تشبیه کرده که نیش می‌زند.

انعطاف‌ناپذیری

انعطاف‌ناپذیری یکی از عوامل ایجاد موقعیت طنز است. «یکی از سرچشمه‌های کمیک تسلیم‌شدن به انعطاف‌ناپذیری با شتاب است، یعنی با گفتن مطالبی که نمی‌خواستیم بر زبان آوریم و انجام کاری که نمی‌خواستیم انجام دهیم.» (برگسون، ۱۳۷۹:۸۹)

www.SID.ir

Arshive of SID

بابا گفت: «اینا می‌خوای بدی به اونا؟»

مامان گفت: «مگه نگفتی کمک می‌خوان؟»

بابا گفت: «خونه‌ات آباد، ده‌تا! می‌دونی پولش چقدر می‌شه! ئی جور که مو ورشکسته می‌شم. لااقل دوتا بده.

مامان گفت: «گدابازی در نیار بذار دل سیر بخورن. تو که خسیس نبودی!»

و رو به من گفت: «بیا براشون ببر.»

دهان بابا مثل غاری باز مانده بود. گفت:« دیگه دیگه. اومدیم ثواب کنیم، کباب شدیم. لابد می‌خوای آشبه هم بدی بهشون!»

مامان توی کاسه‌ای کوچک که سس تند و تیزی که خودش درست کرده بود ریخت و گذاشت کف آن یکی دستم. بابا گفت: «به‌به، بفرما هیچ ما این‌جا خیریه واز کردیم. خیریه‌ی ابوالفضل.» (حسن‌زاده، ۱۶۱:۱۳۸۹)

در شخصیت پدر نوعی سازگاری با موقعیت‌ها و خشکی در رفتار دیده می‌شود که در نگاه مخاطب طنزآمیز به نظر می‌رسد.

حماقت یا لودگی

حماقت‌هایی که از اشتباهات مضحک انسان سرچشمه می‌گیرد، یکی از ویژگی‌های کمدی است. «اصولا خنده ما بر مردمان ابله یا احمق چندان دوام نمی‌آورد، و اگر خنده‌ای بر چنان مردمی می‌کنیم از طریق دلسوزی و مهربانی است یا دست‌کم در پایان خنده به این نکته بر می‌خوریم که این خنده بر ضعف اندیشه و عقل آنها بوده است.» (حلبی، ۷۶:۱۳۶۹) در این اثر شخصیت پدر کارهایی را انجام می‌دهد که از سر لودگی و سادگی است. و ترسو بودن او در موارد زیادی باعث ایجاد موقعیت طنز شده است. مثلا با شنیدن صدای هواپیما خود را در جوب می‌اندازد و دستش می‌شکند.

www.SID.ir

Arshive of SID

هتاکی و دشنام‌گویی

هتاکی و دشنام‌گویی یکی از روش‌های ایجاد طنز است. سخن درشت و ناسزا در ادبیات، استعمال سخیف‌ترین زبان برای حمله بردن به کسی است که گاه جنبه سرگرمی دارد. (حری، الف ۱۳۸۷:۶) «این نوع هتاکی غالبا به سطح هجو شخصی تنزل می‌کند گاه به بی‌حرمتی و ناسزا می‌انجامد. کما این که در اسکاتلند اواخر قرون وسطی ستیز لفظی و اهانت کلامی از انواع ادبی به شمار می‌رفت.» (پلارد، ۱۳۸۶:۹۴) در رمان هستی ما هتاکی و دشنام را تنها از زبان پدر می‌شنویم. به نظر می‌رسد نویسنده برای شخصیت‌پردازی از این روش بهره برده‌است.

«کرم نریز ادبار» (حسن‌زاده، ۱۳۸۹:۲۰)

«نعلتی‌ها برین خونه‌هاتون» (همان)

«زهرمار! مگه مو سنگ توالتم که خودت ول دادی رو مو، گوساله!» (همان:۱۰۶)

«نعلت بر شیطون حرومزاده! » (همان: ۹۲)

وارونه‌سازی

«از نظر لغت‌شناسی واژه آیرونی از کلمه مشتق شده‌است. این واژه معادل کلمات نادانی و جهالت مصنوعی است.» (ضیایی، ۱۳۸۵:۲۵) برای وارونه سازی تقسیم‌بندی‌های مختلفی ارائه شده که در رمان هستی وارونه سازی تقدیری به کار رفته است. این قسم وآیرونی برآنست که تقدیر را با دخالت و تحمیل اراده خود بر نقشه‌ها و تصمیمات انسان، جریان هستی را در جهتی که خارج از تصور اوست، قرار دهد. (داد، ۱۳۸۷:۹)

نگاه کردم به جوی کنار خیابان آبش زلال نبود. تهش از لجن سیاه بود و رویش دسته‌ای میش لمبوی کوچولو بازی می‌کردند. پاره آجری برداشتم و گفتم: «نگاه کن، چه‌قدر میش لمبو! » آرام زندگی‌شان را می‌کردند، انگار برای آن‌ها ولوله نشده بود. نگاه کرد و گفت: «اینا فُراگتن. »

من هم شنیده بودم فگرات هستند، ولی نمی‌دانستم.

گفتم: «حالا طلسمشونه باطل می‌کنم.» پاره آجری را انداختم وسط جوی. آب شتک زد و خیس شدم، سرتا پا خیس. (حسن‌زاده، ۱۳۸۹:۲۴۶)

www.SID.ir

Arshive of SID

به نظر می‌رسد فرهاد حسن‌زاده برای نوشتن این رمان از شیوه‌های تاثیرگذاری بهره برده که انتخاب درستش از شگردها برای ایجاد طنز، حاکی از مخاطب شناسی این نویسنده است. او برای انتقال مفهوم تلخ و سخت جنگ و آوارگی، که به خوبی در این رمان به تصویر کشیده، طنز را انتخاب می‌کند تا با این شیوه بتواند مفاهیم سخت و دلخراش را با زبانی شیرین ترسیم کند و دین خود را به در وهله‌ی اول به عنوان یک ایرانی و در وهله‌ی دوم به عنوان یک خوزستانی جنگ-کشیده ادا کند.

نتیجه‌گیری

زبان طنز در رمان هستی، زبانی ملایم و مؤدب است. آنچه که در این میان باعث برجستگی طنز حسن‌زاده می‌شود، به کارگیری طیف متنوعی از سازوکارهای آفرینش طنز است که در این رمان تبلور یافته. شیوه‌های به‌کارگیری طنز در این رمان به دو دسته تقسیم می‌شود: شیوه‌هایی که مبتنی بر فرم و کاربرد زبان است و بر ویژگی دو یا چند معنایی بودن زبان تکیه دارد. این شیوه در رمان هستی از بسامد بیشتری برخوردار است زیرا مخاطب نوجوان با توجه به دایره‌ی اطلاعات و همچنین خصوصیات روانی مشترک از این شیوه لذت بیشتری می‌برد و نویسنده برای بیان هدفش که همان به تصویر کشیدن واقعه‌ی تلخ جنگ و آوارگی است، از زبان طنز بهره می‌برد تا مخاطب را از ابتدا تا انتها پای رمان بنشاند و تمامی آنچه که در جنگ برای بسیاری از نوجوانان رخ داده و حتی ایدئولوژی خود را که همان سیاهی برخی مردان سیاست و سیاست‌زدگی است، به مخاطب، شیرین و دلچسب القا کند. او در بازی‌های کلامی از ابهام، ایهام، کنایه، جناس و طعنه استفاده کرده است.

دسته دوم که باعث ایجاد موقعیت کمدی در داستان شده، مبتنی بر محتوای زبان است؛ که برپایه‌ی تحرک شخصیت‌ها، عمل داستانی و خلق موقعیت‌ها استوار است. این دسته به خاطر توجه به نظریات نوین جهان طنز از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. سازوکار دسته دوم به سه قسمت موقعیت‌محور، شخصیت‌محور و تخیل‌محور تقسیم می‌شود. که با توجه به مخاطب‌شناسی و دایره اطلاعات از بسامد کمتری نسبت به دسته اول برخوردار است. خاصیت بهره‌گیری از دسته دوم همراه شدن مخاطب با شخصیت داستانی است که فرهاد حسن‌زاده با انتخاب به‌جا و به‌کارگیری

www.SID.ir

Arshive of SID

ماهرانه از شیوه‌های طنزپردازی در این بخش نیز بسیار موفق بوده لایه‌های رویین و زیرین این رمان، مخاطب نوجوان را به فکر وا می‌دارد و باعث ایجاد گفتمان در ادبیات داستانی نوجوان شده است. نویسنده از همین موقعیت استفاده کرده و به نقد رخ دادها و تلخی‌های جنگ می‌پردازد. کارکرد ایدئولوژی پنهان در این متن، مشروعیت بخشیدن به مقاومت علیه سلطه است.

منابع و مآخذ

- آورند، سمیه، (۱۳۹۳)، شگردهای طنز در ادبیات معاصر کودک ونوجوان، تهران: شاپرک سرخ.
- اخوت، احمد، (۱۳۷۱)، نشانه‌شناسی مطایبه، اصفهان: نشر فردا.
- برگسون، هانری لویی، (۱۳۷۹)، خنده، ترجمه عباس میرباقری، تهران: شباویز.
- بهزادی اندوهجردی، حسین، (۱۳۷۸)، طنز و طنزپردازی در ایران، تهران: نشر صدوق.
- پلارد، آرتور،(۱۳۸۴) طنز، ترجمه سعید سعیدپور، تهران: مرکز.
- حسن زاده، فرهاد، (۱۳۸۹)، هستی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان.
- حری، ابوالفضل،(۱۳۸۷الف)، آسیب‌شناسی واژگان طنز، در مجموعه مقالات کتاب طنز۴، تهران: سوره مهر.
- .....، (ب۱۳۸۷)، درباره طنز، تهران: سوره مهر.
- حلبی، علی اصغر، (۱۳۶۹)، مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی در ایران، تهران: پیک ترجمه و نشر.
- داد، سیما، (۱۳۸۲)، فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران. مروارید.
- ضیایی، رفیع، (۱۳۸۵)، مقولات کلی شوخ‌طبعی، در مجموعه مقالات کتاب طنز۳، تهران: سوره مهر.
- فتوحی، محمود، (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
- فرشیدورد، خسرو، (۱۳۶۳)، درباره ادبیات و نقد ادبی، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کردچگینی، فاطمه،(۱۳۸۸)، شکل دگر خندیدن، در مجموعه مقالات کتاب طنز۵، تهران: سوره مهر.
- مرویل، جان، (۱۳۹۲)، فلسفه طنز، ترجمه‌ی محمود فرجامی و دانیال جعفری، تهران: نشر نی.

www.SID.ir